مصر به روسیه نزدیک می‌شود

ادای یک شخصیت، احیای یک رابطه

سودابه رخش

گامی به پیش و گامی به پس؛ این رویکرد کلی مصر در قبال روسیه و پیش‌تر اتحاد جماهیر شوروی بوده است. البته وزن گامی به پس در این میان سنگینی می‌کند. روزی جمال عبدالناصر، مصر را از سلطه بریتانیا آزاد کرد و در اوج جنگ سرد خود را در جبهه اتحاد جماهیر شوروی قرار داد. سپس انور سادات در پی شکست نظامی از اسراییل مشاوران روسی را اخراج و به سمت معادله صلح پیش‌رفت و بار دیگر مصر را متحد آمریکا کرد. سادات در یک حرکت ضربتی، مصر را از مدار شوروی خارج کرد و ضربه محکمی به موقعیت مسکو در خاورمیانه زد. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که مبارک هم متحد آمریکا بود و مرسی نیز در همین راه قدم برمی‌داشت. اما امروز مصر تحت رهبری ژنرالی است که می‌خواهد جا پای جمال عبدالناصر بگذارد و مصر را به روسیه نزدیک کند. گویی با به روی کار آمدن او جمال عبدالناصر هم زنده شده و از آن سو روابط دو طرف هم احیا شده است. با کودتای نظامیون علیه مرسی، باراک‌اوباما بدون آنکه اقدام ارتش در سرنگونی مرسی را کودتا بنامد از آن انتقاد کرد و حالا آمریکا در حال بازنگری روابط دیرینه خود با شورای نظامی مصر است. از زمان روی کار آمدن دولت انتقالی مصر و سرکوب خشن اپوزیسیون این کشور از سوی نظامیون حاکم، ایالات متحده بارها تهدید کرده که کمک‌های مالی خود به شورای نظامی مصر را حذف می‌کند.

اما با فاصله افتادن میان قاهره- واشنگتن، روسیه سخت در تلاش است که خلأ اختلاف میان آمریکا و مصر را پر کند. پشت کردن واشنگتن به سوریه و مصر و ماهی گرفتن روسیه از آب گل‌آلود ممکن است موجب بیشترین نفوذ روسیه در منطقه پس از جنگ سرد شود. در حال حاضر روابط اقتصادی مصر و روسیه در سطحی خوب و گردشگری روسیه در مصر هم رو به رشد است.

بسیاری از تحلیلگران داخلی و افکار عمومی مصر نیز خواهان نزدیکی این کشور به روسیه هستند. به عقیده یکی از این تحلیلگران: «دولت موقت مصر تحت فشار ایالات متحده آمریکا و غرب است و بنابراین نه تنها به حمایت‌های منطقه‌ای از جمله پشتیبانی عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج‌فارس نیاز دارد بلکه نیازمند کمک‌های قدرت‌های جهانی است. روسیه و درواقع پوتین یکی از عوامل مقاومت بشار اسد تاکنون بوده است، بدون حمایت دیپلماتیک، نظامی- لجستیکی و اخلاقی پوتین، حکومت بشار اسد نمی‌توانست تا الان جان سالم به در ببرد و دولت موقت مصر هم برای ادامه راه به چنین حمایتی نیاز دارد.»

این امکان وجود دارد که آمریکا و اتحادیه اروپا به‌منظور مهار مقامات نظامی، ارتش مصر را تحریم کنند و درست در همین زمان پوتین آماده است قدم در راهی بگذارد که دیگران از آن خارج شده‌اند. درصورت لغو کمک‌های مالی آمریکا به ارتش مصر، پوتین حتما از فرصت استفاده کرده و شانس خود را امتحان می‌کند. نباید فراموش کرد که روسیه بعد از آمریکا، دومین صادرکننده اسلحه در جهان است.

سلیمان شفیق، متفکر چپ بر این باور است که پوتین درصدد چیره‌شدن بر وضعیت مصر است و واکنش ایالات متحده هم موجب گسترش نفوذ روسیه در خاورمیانه می‌شود. به گفته شفیق: «روسیه عمیقا در بحران مصر نقش دارد. این یک فرصت طلایی برای روسیه است که تبلیغات منفی جهان عرب علیه خودش را که در یک‌دهه گذشته به اوج رسید، پاک کند. اعراب نسبت به روسیه بی‌اعتماد بودند و حالا این بی‌اعتمادی متوجه ایالات متحده است.» شفیق می‌افزاید: «به‌نظر می‌رسد که روسیه در بن‌بست فعلی در حال شرط‌بندی روی نظامیون حاکم مصر است. با تحریم‌های احتمالی آمریکا علیه ارتش در آینده نزدیک، این معامله می‌تواند نتیجه خوبی برای مسکو داشته باشد و روسیه باید این امر را ثابت کند.»


کودکی عبدالفتاح السیسی در کنار جمال عبدالناصر

در این میان طرح روسیه برای نابودی سلاح‌های شیمیایی سوریه به‌عنوان جایگزینی برای حمله موشکی آمریکا هم موجب محبوبیت روسیه در میان مصری‌ها شده است. برای این دسته از مصری‌ها این طرح یادآور متحد سابقی است که می‌تواند مشکلات منطقه را به صورت مسالمت‌آمیز حل کند؛ بدون مداخله منجر به شکست در عراق، مذاکره ناموفق فلسطین و اسراییل، اتحاد با رژیم‌های سرنگون‌شده یا زیر سلطه گرفتن کشورهای منطقه. حتی پیش از رو کردن این طرح هم، مصر به دنبال ایجاد روابط قوی‌تر با روسیه و دور شدن از ایالات متحده بود. اواسط سپتامبر، نبیل فهمی وزیر امورخارجه مصر به روسیه رفت و ضمن تشکر از روس‌ها برای مداخله در سوریه، در مورد راه‌های جدید گسترش روابط مسکو- قاهره به بحث نشست. در این دیدار فهمی اظهار امیدواری کرد که توافق روسیه در مورد سوریه در نهایت منجر به رهایی جهان از مواد شیمیایی و هسته‌ای شود «بدون تبعیض و استثنا». این قسمت از اظهارات فهمی درواقع اشاره‌ای به اسراییل، مهم‌ترین متحد آمریکا در منطقه بود که متهم به داشتن سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای است. حرکت دولت مصر برای تقویت رابطه با روسیه با حمایت اکثریت مصری‌ها بوده است؛ مصری‌هایی که از طرفداری ایالات متحده از مرسی، تهدید به قطع کمک‌های مالی به ارتش و مداخله نظامی این کشور در منطقه خشمگین هستند. تقریبا هر روز، روزنامه‌های مصری از شکست ایالات‌متحده در منطقه از بسیاری جهات و چگونگی دستیابی روسیه، چین و هند به موفقیت‌های جدید اقتصادی می‌نویسند

سلیمان شفیق، متفکر چپ بر این باور است که پوتین درصدد چیره‌شدن بر وضعیت مصر است و واکنش ایالات متحده هم موجب گسترش نفوذ روسیه در خاورمیانه می‌شود. به گفته شفیق: «روسیه عمیقا در بحران مصر نقش دارد. این یک فرصت طلایی برای روسیه است که تبلیغات منفی جهان عرب علیه خودش را که در یک‌دهه گذشته به اوج رسید، پاک کند

به‌طور مثال احمدالسید الناقر، در روزنامه الاهرام چاپ مصر در یادداشتی نوشت: «مصر باید به کمک‌های سمی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها پایان دهد و یک‌بار برای همیشه اعلام کند که به آنها نیازی ندارد. مصر باید روی همکاری‌های مالی و اقتصادی با کشورهای عربی و با دوستانی مانند روسیه، چین، هند و دیگران تمرکز کند. کشورهایی که پیش از این بدون قید و شرط رابطه داشتند.»

اوایل ماه سپتامبر هم عدلی منصور، رییس‌جمهور موقت مصر در اولین مصاحبه تلویزیونی خود گفت که روسیه و چین می‌توانند نه تنها از نظر سیاسی بلکه اقتصادی به مصر کمک کنند. رییس‌جمهور موقت مصر افزود که او و فهمی، وزیر امورخارجه مصر در حال بازنگری استراتژیک در روابط خارجی هستند و در این بازنگری بین دوستان واقعی و کسانی که در این دسته‌بندی جایی ندارند، فرق قایل شده‌اند.

از آن سو بیانیه‌های رسمی و گزارش رسانه‌های دولتی روسیه هم نشان می‌دهد که مسکو نیز به ارتش مصر تکیه زده و روی آن حساب باز کرده است. ایگور موروزف، رییس کمیته خارجی پارلمان روسیه گفت که به عقیده او «ارتش مصر همواره در بحران‌های سیاسی مصر نقش مهم و حیاتی ایفا کرده است.» موروزف، ایالات‌متحده واتحادیه اروپا را برای وضعیت فعلی مصر و حمایتشان از مرسی و اخوان‌المسلمین سرزنش می‌کند.

به گفته یک دیپلمات مصری: «پوتین اولین رهبر غیرعربی بود که پس از سرنگونی مرسی برای بازدید از مصر ابراز علاقه زیادی کرد. معلوم نیست چه زمانی او به قاهره بیاید اما زمان آمدن به مصر، او نه تنها در مورد اوضاع مصر به بحث می‌نشیند بلکه احتمالا قراردادهای تسلیحاتی را امضا می‌کند.» از زمانی که آمریکا مصر را به قطع کمک‌های مالی تهدید کرده، مصری‌ها به روسیه امیدوارند. سرمایه‌گذاری روسیه در مصر در سال ۲۰۱۰ به دومیلیاردوصدمیلیون‌دلار در سال رسید و دومیلیون‌و۸۵۰هزاردلاری که از گردشگری روس‌ها نصیب مصری‌ها می‌شد نیز بخش مهمی از احیای اقتصاد در حال احتضار مصر به‌شمار می‌رود.

هرچند مبادلات دوجانبه اینچنینی در تاریخ روابط دوکشور کم‌سابقه نبوده است. پیش از این هم روسیه مودبانه مصر را شریک استراتژیک خود می‌دانست و پوتین هم تنها رهبر روسی‌ای بود که از مصر بازدید کرد (در سال ۲۰۰۵). مبارک هم به نوبه خود پنج‌بار به مسکو سفر کرد. هرچند این عدم توازن در دیدارهای سیاسی با دومیلیون توریست روسی که سالانه به سواحل مصر می‌آمدند جبران می‌شد. روسیه به جای سلاح، غلات به مصر می‌فروخت که تقریبا ۴۰درصد از صادرات نسبتا ضعیف روسیه را شامل می‌شد. در حدود سال‌های ۲۰۱۱ گردش مالی تجارت دوجانبه این دو کشور بین دومیلیاردونیم تا چهارمیلیارددلار در نوسان بوده است.

با این حال از زمان اخراج نظامیون جماهیر شوروی از مصر در زمان سادات، مسکو، مصر را متحد ایالات‌متحده می‌شناخته است. اوایل با خشم و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با متانت. روسیه اساسا پذیرفته بود که در خاورمیانه در جایگاه عقب‌تری باشد. درواقع از بعد از جمال عبدالناصر تقریبا مصر همواره متحد آمریکا در منطقه بوده است. آنچه در طول این سال‌ها گذشت مبارزه تلخی برای غلبه منطقه‌ای علیه ایالات متحده بود، شور ایدئولوژیک با مرگ ایدئولوژی سیاست خارجی مسکو بر باد رفت و جایگاه روسیه در بازار سلاح‌های خاورمیانه ضعیف شد. و حالا با بالاگرفتن احتمال ریاست‌جمهوری عبدالفتاح السیسی امید در دل روسیه بار دیگر جوانه زده است.

با این حال هنوز شک و تردیدهایی وجود دارد که دولت نظامی جدید روابط خود با ایالات‌متحده را آشکارا بر هم بزند. ایالات متحده منبع تسلیحات و آموزش نظامی فرماندهان ارتش مصر است و از آن‌سو هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که روسیه بهتر از ایالات‌متحده بتواند در منطقه عمل کند، چه به لحاظ سیاسی و چه اقتصادی. همچنین وابستگی تسلیحات نظامی مصر به آمریکا یکی از منافع امنیت ملی واشنگتن است. از سال ۱۹۷۰ ارتش مصر وابستگی‌اش به سلاح‌ها، دکترین و آموزش‌های شوروی را قطع کرد و به‌شدت وابسته آمریکا شد. به گفته سفیر سابق مصر در ایالات‌متحده؛ همه تصمیم‌گیران امنیت ملی بر این باورند که حفظ رابطه با آمریکا بسیار مهم است. او البته انکار نکرد که حس ناامیدی نسبت به ایالات‌متحده در میان بسیاری از مصری‌ها وجود دارد.

روزنه

چرا پوتین دست رد بر سینه شاهزاده «بندر بن سلطان» زد؟

دوستی ناممکن روسیه و عربستان

عربستان و روسیه طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ اقدام به ترمیم روابط مخدوش خود در طول دوران جنگ سرد کردند اما این تلاش‌ها تاکنون دچار پستی‌وبلندی‌های فراوانی شده و درمجموع ناکام بوده است. دو کشور علاوه بر بازارهای نفت و گاز که در آن همکاری‌های محدودی دارند، در زمینه مسایل سیاسی مهمی نظیر سوریه و ایران و تاحدودی فلسطین نیز بارها به همدیگر روی آورده‌اند تا شاید به تفاهمی دست یابند اما هرگز نتوانسته‌اند بر اختلافات خود فایق آیند. حتی برخی از این موارد به‌جای آنکه عاملی برای نزدیکی مسکو و ریاض بوده باشد، بیشتر موجب دوری و تقابل بین این دو شده است.

به‌طور مشخص بحران سوریه طی دوسال گذشته بارها ریاض و مسکو را بر آن داشت تا دست دوستی به‌سوی هم دراز کنند اما این دوستی به جایی نرسید. زیرا نه ریاض حاضر بود دست از «برکناری اسد» بکشد و نه مسکو حاضر بود از «بقای اسد» کوتاه بیاید. آخرین نمونه از این تلاش‌ها سفر بندر بن سلطان شاهزاده معروف سعودی و رییس دستگاه اطلاعات این کشور بود که ماه ژوییه گذشته صورت گرفت.

درباره این دیدار اخبار ضدونقیض فراوانی منتشر شد. دیمیتری پسکوف سخنگوی پوتین این دیدار را چنین توصیف کرد: پوتین و بندر، مسایل بسیاری را درباره روابط دوجانبه روسیه و عربستان و اوضاع خاورمیانه، شمال آفریقا و جهان بررسی کردند. گرچه وی جزییات دیدار پوتین و بندر را فاش نکرد اما به‌دنبال این دیدار مجموعه‌ای از شایعات و اخبار اینجا و آنجا منتشر شد. برای مثال سازمان رادیو و تلویزیون سوریه به نقل از منابع خبری اعلام کرد که بندر به دستور آمریکا از پوتین خواسته بود روابط مسکو و ریاض از سرگرفته شود. شایعات دیگری مطرح شد که ریاض پیشنهاد یک رشوه ۱۵میلیاردلاری به مسکو داده است و از این دست اخبار.

روزنامه لبنانی السفیر جزییات این دیدار را به این شرح بیان کرد که عربستان پیشنهاد کرده دو کشور یک استراتژی واحد در زمینه عرضه و قیمت جهانی نفت را در پیش بگیرند. شاهزاده بندر پیشنهاد همکاری در بخش نفت و گاز را در ازای کاهش حمایت روسیه از سوریه ارایه داد. این شاهزاده سعودی همچنین گفته بود عربستان می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های هنگفت چندمیلیارددلاری در زمینه‌های مختلف در بازار روسیه داشته باشد. اما آنچه در این میان اهمیت دارد، به‌تفاهم‌رسیدن مسکو و ریاض درخصوص برخی مسایل به‌ویژه سوریه و ایران خواهد بود. جالب اینکه درمقابل پیشنهادات شاهزاده بندر بن سلطان گفته می‌شود ولادیمیر پوتین با خونسردی تمام گفته است این موضوعات باید در وزارتخانه‌های مرتبط دو کشور مورد مذاکره قرار گیرد! بعد هم اضافه کرده بود که موضع روسیه درقبال بشار اسد هیچ تغییری نکرده است.

برخی گزارش‌ها همچنین حاکی از این است که بندر بن سلطان گفته امیدوار است روسیه بداند منافع مسکو و منافع کشورهای حاشیه خلیج‌فارس در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران یکسان است، اما پوتین گفته که روسیه مدافع حق تهران برای داشتن انرژی هسته‌ای است. به این ترتیب می‌توان گفت دمشق و تهران مهم‌ترین کانون‌های اختلافات بین ریاض و مسکو بوده و تا در بر همین پاشنه می‌چرخد، این اختلافات نیز به قوت خود باقی خواهد بود. به گفته ناظران حفظ اسد در قدرت مهم‌ترین عاملی بود که شاهزاده بندر بن سلطان را با دست‌های خالی از مسکو بازگرداند.

ظاهرا این دست رد پوتین بر سینه شاهزاده بندر بن سلطان برای عربستان بسیار گران آمده و دراین‌باره نیز شایعات زیادی دهان‌به‌دهان شد. منابع رسمی می‌گویند رییس دستگاه اطلاعات عربستان در پایان این دیدار تنها به روسیه فهمانده است که اگر توافقی بین مسکو و ریاض حاصل نشود مخالفان سوریه نیز به کنفرانس ژنو۲ نخواهند رفت. این اظهارات درشرایطی بیان می‌شد که احمد الجربا سیاستمدار طرفدار عربستان به ریاست ائتلاف مخالفان سوریه رسیده بود.

ادامه در صفحه۹

یادداشت

زبان زور را کنار بگذاریم و متمدن باشیم

ولادیمیر پوتین . مترجم: جاوید ثمودی

حوادث اخیر در قبال بحران سوریه مرا وادار کرد تا به‌طور مستقیم با مردم آمریکا و رهبران سیاسی آنها صحبت کنم. این امر از آن جهت حایز اهمیت است که هم‌اکنون ارتباط و تعامل چندانی میان جوامع ما وجود ندارد. روابط مسکو-واشنگتن مقاطع مختلفی را پشت‌سر گذاشته است. ما در دوره جنگ سرد مقابل یکدیگر قرار داشتیم. اما در برهه‌ای متحد هم بودیم و توانستیم در کنار یکدیگر آلمان نازی را شکست دهیم. پس از آن نیز سازمان ملل متحد با هدف جلوگیری از ویرانی‌های مجدد تشکیل شد. بنیانگذاران سازمان ملل متحد به‌خوبی می‌دانستند تصمیم‌هایی که بر جنگ و صلح اثرگذارند، باید با اجماع تمام اعضا اتخاذ شوند. همچنین با رضایت ایالات‌متحده، حق وتو توسط اعضای دایم شورای امنیت سازمان ملل متحد در منشور سازمان‌ملل گنجانده شد. هیچ‌کس تمایل ندارد که سازمان ملل متحد نیز به سرنوشت جامعه ملل دچار شود، سازمانی که به‌خاطر عدم برخورداری از قدرت واقعی از هم فروپاشید. اگر چنانچه کشورهای بانفوذ و پرقدرت سازمان ملل را دور زده و بدون مجوز شورای امنیت اقدام به حمله نظامی کنند، امکان تحقق چنین سناریویی برای سازمان ملل نیز وجود دارد. حمله احتمالی ایالات‌متحده به سوریه، به‌رغم مخالفت بسیاری از کشورها و رهبران مذهبی و سیاسی مهم از جمله پاپ می‌تواند به کشتار انسان‌های بی‌گناه و اوج‌گیری خشونت‌ها منجر شود و منازعه به خارج از مرزهای سوریه گسترش یابد. هرگونه حمله می‌تواند ضمن افزایش خشونت‌ها، موج جدیدی از تروریسم را به‌دنبال خود به ارمغان آورد. این امر می‌تواند تلاش‌های چندجانبه برای حل‌وفصل بحران هسته‌ای ایران و روند صلح میان اسراییل و فلسطین را تضعیف کند و موجب بروز بی‌ثباتی بیشتر در خاورمیانه و شمال آفریقا شود. چنین شرایطی می‌تواند تمام موازنه و نظم و نظام حقوق بین‌الملل را نیز از بین ببرد.

ما در سوریه شاهد جنگ برای تحقق دموکراسی نیستیم، بلکه منازعه‌ای مسلحانه میان دولت و مخالفان در جریان است، آن هم در کشوری که ادیان مختلفی در آن وجود دارد. هم‌اکنون در سوریه عده معدودی به‌دنبال استقرار دموکراسی هستند. در مقابل، ما با گروه‌های افراطی و جنگجویان القاعده روبه‌رو هستیم که با دولت روسیه در حال جنگ هستند. وزارت‌خارجه ایالات‌متحده جبهه النصره و دولت اسلامی عراق و شامات را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است. این منازعه داخلی که با کمک تسلیحاتی کشورهای خارجی به معارضان شعله‌ور شده، یکی از خونبارترین منازعه‌ها در طول تاریخ است.

ورود مزدوران مسلح از کشورهای عرب و صدها شبه‌نظامی از کشورهای غربی و حتی روسیه موجب نگرانی عمیق ماست. آیا این امکان وجود ندارد که آنها با تجربیاتی که در سوریه کسب می‌کنند به کشورهای ما بازگردند؟ بسیاری از گروه‌های افراطی پس از جنگ در لیبی وارد مالی شدند. بی‌تردید، این شرایط برای همه ما خطرناک است. هنوز هم حقوق بین‌الملل پابرجاست، حال چه خوشایند ما باشد چه ما آن را نپسندیم. طبق مفاد حقوق بین‌الملل کنونی، توسل به زور تنها با مجوز شورای امنیت یا دفاع از خود امکان‌پذیر است. هر اقدام یا شیوه دیگری طبق منشور سازمان‌ملل غیرقابل‌قبول است و اقدام خصمانه تلقی می‌شود. هیچ‌کس تردیدی ندارد که در سوریه از گازهای سمی استفاده شده اما دلایل کمی وجود دارد که من بپذیرم ارتش سوریه از آن بهره برده باشد. درمقابل، به باور من این سلاح‌ها از سوی گروه‌های مخالف استفاده شده تا از این طریق بتوانند زمینه دخالت خارجی را به‌وسیله حامیان قدرتمند خارجی خود فراهم کنند؛ حامیانی که از این بنیادگرایان پشتیبانی می‌کنند. هم‌اکنون گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد شبه‌نظامیان خود را آماده حمله به اسراییل می‌کنند و ما نباید چنین گزارش‌هایی را نادیده بگیریم. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که مداخله نظامی در منازعات داخلی کشورها به موضوعی پیش‌پاافتاده برای ایالات‌متحده تبدیل شده است. آیا چنین اقدام‌هایی در راستای تامین منافع بلندمدت آمریکا قرار دارد؟ من که تردید دارم. میلیون‌هانفر در سرتاسر جهان دیگر آمریکا را به چشم یک الگوی دموکراسی نگاه نمی‌کنند، بلکه این کشور را تنها متکی به استفاده از قدرت و زور عریان می‌بینند؛ کشوری که به بهانه شعار «یا با ما هستید یا علیه ما» اقدام به ائتلاف می‌کند. در شرایط کنونی، توسل به زور دیگر کارایی خود را از دست داده و بی‌فایده شده است. افغانستان از شرایط مطلوبی برخوردار نیست و هیچ‌کس نمی‌داند که پس از خروج نیروهای بین‌المللی چه بر سر این کشور خواهد آمد. لیبی به قبایل و گروه‌های مختلف تقسیم شده است. در عراق هم‌اکنون جنگ داخلی وجود دارد که در آن هرروز ده‌هانفر کشته می‌شوند. در ایالات‌متحده، بسیاری به مقایسه سوریه و عراق می‌پردازند و این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا دولت آنها بار دیگر می‌خواهد اشتباه‌های پیشین خود را تکرار کند.

آنچه اهمیت دارد اجتناب‌ناپذیربودن تلفات هم در میان کودکان و هم در میان افراد مسن است؛ افرادی که حمایت از آنها بهانه اصلی حمله احتمالی به سوریه است. واکنش جهان به چنین حمله‌ای مطرح‌ساختن این پرسش خواهد بود: «اگر نتوان به حقوق بین‌الملل تکیه کرد، پس آیا نباید به فکر یافتن راه‌های دیگر برای تامین امنیت خود بود؟» از این‌رو، کشورهای بیشتری درصدد دستیابی به سلاح‌های کشتارجمعی برخواهند آمد. درواقع، این گزاره منطقی است: «اگر بمب داشته باشیم، هیچ‌کس به ما آسیبی نخواهد رساند». حال، در شرایطی که ما به‌دنبال تقویت معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی هستیم، در حقیقت با چنین اقدام‌هایی خودمان و با دست‌های خودمان آن را تضعیف خواهیم کرد. ما باید استفاده از زبان زور را کنار بگذاریم و به مسیر حل‌وفصل سیاسی و دیپلماتیک متمدنانه بازگردیم. در روزهای گذشته فرصت جدیدی برای اجتناب از توسل به اقدام نظامی به‌وجود آمده است. ایالات‌متحده، روسیه و تمام اعضای جامعه جهانی باید از تمایل دولت سوریه برای موافقت با نظارت و کنترل جهانی بر زرادخانه‌های شیمیایی و معدوم‌ساختن متعاقب آنها استقبال کنند. از سخن باراک اوباما اینگونه برمی‌آید که ایالات‌متحده این تغییر و تحولات را جایگزینی مناسب برای اقدام نظامی می‌داند. من از علاقه رییس‌جمهور آمریکا در تداوم گفت‌وگوها درخصوص سوریه استقبال می‌کنم. ما با همکاری با یکدیگر باید این امید را زنده نگه‌داریم. همان‌گونه که ما در اجلاس گروه هشت در ایرلندجنوبی در ماه ژوئن به توافق رسیدیم، این گفت‌وگوها باید ادامه پیدا کند. اگر چنانچه بتوانیم از اعمال زور در سوریه اجتناب کنیم، شرایط موجود در نظام بین‌الملل بهبود خواهد یافت و اعتماد متقابل نیز افزایش می‌یابد. تحقق چنین شرایطی درواقع به‌منزله موفقیت مشترک ماست و زمینه را برای همکاری بیشتر درخصوص موضوعات مهم دیگر فراهم خواهد ساخت. هم‌اکنون اعتماد میان من و باراک اوباما درحال افزایش است و من به این خاطر بسیار خرسندم. من به‌دقت سخنرانی اخیر وی را گوش دادم. البته باید به این موضوع اشاره کنم که من مخالف نظرات وی درخصوص استثناگرایی هستم، به‌ویژه جایی که باراک اوباما به این موضوع اشاره کرد نوع سیاست‌های آمریکا وجه‌تمایز این کشور با سایر دولت‌هاست و این کشور را به یک استثنا تبدیل کرده است. این امر بسیار خطرناک است که رییس‌جمهور آمریکا شهروندان خود را تشویق کند خود را متفاوت از دیگران ببینند و خود را استثنا بدانند. حال انگیزه اصلی وی از این نوع اظهارات هرچه می‌خواهد باشد. کشورهای بزرگ و کوچک، ثروتمند و ضعیفی در دنیا وجود دارند. کشورهایی وجود دارند که از دیرباز دارای دموکراسی هستند و برخی نیز به‌دنبال رسیدن به دموکراسی هستند. سیاست‌های این کشورها با یکدیگر متفاوت است. ما همه با یکدیگر تفاوت داریم اما زمانی که خواستار بهره‌مندی از الطاف خداوند هستیم، نباید فراموش کنیم که خداوند همه ما را یکسان و برابر آفریده است.

منبع: نیویورک تایمز

منافع مشترک مسکو- ریاض

تانیا تجلی

روابط عربستان‌سعودی و روسیه پس از بازدید ملک‌عبدالله از مسکو در نوامبر ۲۰۰۳ شاهد پیشرفت‌های چشمگیری بود. این دیدار با بازدید ولادیمیر پوتین از عربستان‌سعودی در فوریه ۲۰۰۷ قوت گرفت. دیدار دوطرف چشم‌انداز وسیعی از همکاری بین دو کشور را به‌دنبال داشت. سفر اخیر شاهزاده بندربن سلطان دبیرکل شورای امنیت‌ملی و رییس سازمان اطلاعات عربستان‌سعودی به روسیه، در ماه ژوییه سال‌جاری بار دیگر روابط این دو کشور را در کانون توجه قرار داد. رسانه‌ها پیشنهاد عربستان‌سعودی مبنی بر توقف روسیه از حمایت از اسد را به‌طور وسیعی برجسته کردند. پیشنهاد محرمانه‌ای در بخش نفت و گاز در ازای کاهش حمایت روسیه از سوریه؛ پیشنهادی که با پاسخ منفی مسکو روبه‌رو شد. در نگاه اول روابط ریاض - مسکو با تناقضاتی همراه است؛ با این حال بسیاری از شاخص‌ها نشان می‌دهد منافع بسیاری بین دو کشور وجود دارد که همگرایی این دو را افزایش می‌دهد؛ همچنین این منافع به‌گونه‌ای است که روابط این دو را نزدیک‌تر می‌کند. گرچه عربستان‌سعودی به‌دنبال سقوط بشار اسد است، اما با این حال درهای ریاض برای خواسته‌های روسیه باز است و رابطه‌اش با مسکو را حاصل‌جمع صفر در نظر نمی‌گیرد. در مقابل زمینه‌های مشترکی برای حفظ بقای نهادهای دولتی از جمله ارتش و سرویس‌های امنیتی بین دو کشور وجود دارد و هردو نمی‌خواهند که تجربه عراق تکرار شود. عربستان‌سعودی نمی‌خواهد گروه‌های افراطی اسلامگرا یا تروریست‌ها کنترل این وضعیت را در دست گیرند و این نقطه مشترک عربستان با روسیه است.

مصر

ملک‌عبدالله پادشاه عربستان به‌شدت حامی رژیم جدید مصر است. عربستان‌سعودی از اعراب برای برقراری ثبات در مصر کمک خواست. «مردم و دولت عربستان به همراه برادران خود در مصر علیه تروریسم خواهند ایستاد.» پادشاه عربستان اینگونه از رژیم جدید در مصر طرفداری کرد. روشن است عربستان و روسیه ثبات در مصر را ترجیح می‌دهند و این همان چیزی است که آنها پیش از آن روی آن شرط کرده بودند. ریاض معتقد است حمایت سیاسی و اقتصادی روسیه برای رژیم جدید مصر حیاتی است.

ترکیه

اگرچه ترکیه روابط اقتصادی و سیاسی قوی با عربستان و روسیه دارد، با این حال برنامه سیاسی ترکیه در منطقه برای هر دو کشور مورد تردید است. عربستان‌سعودی منتقد حمایت ترکیه از اسلام سیاسی و مخصوصا اخوان‌المسلمین است. مسکو هم ترکیه را تهدیدی برای منافع این کشور در



بودجه‌شان متعادل شود. عربستان‌سعودی بزرگ‌ترین تولیدکننده اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) میانگین قیمت هر بشکه نفت را ۹۸دلار در سال‌جاری اعلام کرد این درحالی است که قیمت هر بشکه نفت سال گذشته ۹۳دلار بود. روسیه هم قیمت میانگین هر بشکه نفت را ۱۱۷دلار برآورد کرده است. روسیه و عربستان منافع مشترکی دارند که بر اساس تهدیداتشان پایه‌گذاری شده است از جمله این تهدیدات تروریسم و افراطی‌گرایی است. کمک صدمیلیون‌دلاری ملک‌عبدالله برای حمایت از مرکز بین‌المللی مبارزه با تروریسم شاخص مهمی از نگرانی عربستان از رشد گروه‌های تروریستی است. عربستان‌سعودی خود به‌تنهایی از عملیات تروریستی می‌ترسد و ترس ریاض در اینجا اوضاع آشفته یمن و سوریه و مصر است چرا که القاعده قادر به بهره‌برداری از این وضعیت برای انجام عملیات تروریستی علیه کشورهای منطقه است. این نگرانی‌های عربستان تشدید بیشتری در مسکو دارد چرا که روسیه خود توسط تروریست‌های القاعده تهدید شده است.

افغانستان

سال آینده سال خروج نیروهای ناتو از افغانستان است. ریاض در این کشور به‌دنبال برخی اهداف است: ازجمله اینکه افغانستان تبدیل به پناهگاهی امن برای القاعده نشود، تضعیف سازمان‌هایی که به‌دنبال حمله به کشورهای همسایه از جمله هند، چین و حتی روسیه هستند، به‌طوری که عربستان با هند و چین منافع استراتژیک در حال رشد دارد. برای دستیابی به چنین اهدافی ریاض علاقه‌مند به حمایت از ثبات در پاکستان است. این اهداف مطابق با سیاست‌های روسیه در قبال افغانستان است. همچنین مسایل استراتژیک دیگری وجود دارد که مسکو و ریاض را بیشتر به هم نزدیک می‌کند

جمعیت

در حالی که جمعیت مسکو در حال کاهش است، جمعیت مسلمانان در این کشور رو به افزایش است. جمعیت روسیه از ۱۴۸میلیون‌نفر در سال ۱۹۹۰ به ۱۴۲/۵میلیون‌نفر در سال ۲۰۱۰ کاهش یافت و انتظار می‌رود تا ۲۰۲۰ به ۱۳۷میلیون‌نفر کاهش یابد. در مقابل، جمعیت مسلمانان بومی به‌طور عمده از قفقاز روسیه پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی افزایش داشته است. جمعیت آنان از ۱۳/۶میلیون‌نفر در سال ۱۹۹۰ به ۱۶/۷میلیون‌نفر در ۲۰۱۰ افزایش داشته و انتظار می‌رود که به ۱۹میلیون‌نفر یا ۱۴درصد جمعیت کل روسیه تا سال ۲۰۲۰ برسد. بر همین اساس از منظر مسکو اسلامی‌سازی منطقه خود تهدیدی برای این کشور محسوب می‌شود.

ادامه در صفحه۹